

سبزوار

فرزاد قندهاریزاده، محمد مکاری

سیدهاشم حسینی گودسلوک

شهرستان سبزوار در شمال غربی استان خراسان واقع شده و از شمال با شهرستان‌های جاجرم، اسفراین و از مشرق با نیشابور از جنوب با شهرستان کاشمر و بردسکن و از مغرب با شهرستان شاهرود از استان سمنان محدود است.

شهرستان سبزوار به لحاظ قرار گرفتن در یک منطقه خشک و نیمه‌خشک بیابانی (جنوب و جنوب‌غربی) و سرد معتدل کوهستانی (شمال غربی به سمت شمال شرقی) و داشتن عوارض دیگر طبیعی از جمله پستی و بلندی گونه‌های مختلفی از گیاهان دارد که بخشی از این گیاهان خواص طبی و دارویی دارند.

مردم شهرستان سبزوار برحسب استفاده مکرر از این گیاهان به تجربیاتی دست یازیده‌اند که می‌توان این تجربیات را مجموعه دانش طب عامیانه قلمداد کرد.

اشخاصی که به امور مختلف طب سنتی می‌پردازند

اشخاصی که به امور طبابت و درمان امراض و بیماری‌های در سطح شهرستان سبزوار می‌پردازند را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

افرادی که به درمان بیماری‌های جسمی می‌پردازند شامل شکسته‌بند، حجامتگر، سلمانی، و...
افرادی که به درمان بیماری‌های روحی و روانی می‌پردازند شامل دعا و حزن‌نویسان، فالگیران، کولی‌ها، پرخان‌ها، و...

بیماری‌های جسمی را نیز می‌توان به دو دسته خاص و عام تقسیم کرد. در تعریف هر یک از این دو نوع بیماری می‌توان گفت که بیماری‌های جسمی خاص آن نوع بیماری است که درمان آن نیاز به مهارت، تبحر، تجربه، و دانش عامیانه‌ای دارد که شخص درمانگر طی دوران برحسب انجام آن دارای جایگاهی در نظام طبقاتی مردم چه در سطح شهر و چه در سطح روستا شده است مانند سلمانی‌ها، شکسته‌بندها یا حجامتگران که حتی می‌توان آن‌ها را در دسته‌بندی مشاغل و حرفه‌ها جا داد.
بیماری‌های جسمی عام نیز عبارت از نوع بیماری است که به خاطر مبتلا شدن طیف و گستره وسیع

مردم در حالت‌ها و زمان‌های مختلف درمان آن به صورت خوددرمانی انجام می‌گیرد و هر فردی به دلیل شنیدن و دیدن متوالی و متوالی‌تر درمان آن بر اساس آموزه‌های خانوادگی در زمینه طب سنتی آن را انجام می‌دهد. قابل توجه است که شیوه‌ها و روش‌های درمان این نوع از بیماری‌ها را به دلیل عام بودن نایستی یک امر ساده و پیش‌یا افتاده قلمداد کرد بلکه همین روش و شیوه به دلیل روی آوردن در یک بستر زمانی و مکانی ماحصل تجربه یک نسل را به دنبال دارد. از جمله این بیماری‌ها می‌توان به سرماخوردگی گرمادگی (موقعیت طبیعی و جغرافیایی سبزوآر و قرار گرفتن بخشی از این شهرستان در منطقه کویری از جمله این بیماری در فصل تابستان است) تب کردن و... اشاره کرد. در ذیل به معرفی اجمالی افرادی که به امور مختلف طب سنتی اشتغال دارند می‌پردازیم.

شکسته‌بند

شکسته‌بند فردی است که به درمان آسیب استخوان اعم از کوفتگی، دررفتگی و شکستگی در ناحیه‌های مختلف بدن می‌پردازد. قبل از درمان شکستگی، شکسته‌بند ابتدا نوع شکستگی را تشخیص می‌دهد که انواع آن عبارت است از: گردشکن، شفیله، خرد شده.

- گردشکن نوع شکستگی است که در دو موضع شکسته شده به صورت گرد از هم جدا شده باشد.
- شفیله (šefil) نوعی از شکستگی است که دو موضع علاوه بر شکسته شدن دچار جراحاتی از جمله خونریزی شود. شکستگی تیز و خشن دارای زاویه‌های متعدد می‌شود.
خرد شده نیز آن است که استخوان دست یا پا هر ناحیه دیگری بر اثر وارد آمدن ضربه‌ای سنگین به چند قسمت خرد شود.^۱

جهت ثابت نگه‌داشتن محل شکستگی آن را با نوعی زفت محکم می‌بندند. این زفت را در نقاط مختلف از جمله روستاهای دوچاهی، اجنورد، اریان و استاج از گیاه خودرویی به نام النجو تهیه می‌کنند. بدین صورت که با کوبیدن این گیاه عصاره آن را با زرده تخم‌مرغ و مقداری زمه (zema) و روغن زرد مخلوط می‌کنند و آن را بر پارچه‌ای مالیده و به محل شکستگی می‌مالند. از این نوع زفت برای درمان کوفتگی نیز استفاده می‌کنند.

در روستاهایی همچون سیرغان، غنی‌آباد، حسین‌آباد و شاره سطح و اطراف شکستگی را با استفاده از مخلوط خمیر آرد گندم و تخم‌مرغ می‌پوشانند و با استفاده از دو تکه چوب صاف و پارچه آن را می‌بندند.

سلمانی‌ها به علت اینکه نقش و کارکرد چندجانبه در سطح روستاهای ایران دارند از جایگاه و اهمیت زیادی برخوردار بوده‌اند. سلمانی‌ها را می‌توان به دلیل حضور مستمر در مجامع عمومی رسمی و غیررسمی از جمله عروسی‌ها، عزاداری‌ها و ارتباط مداوم با مردم آن‌ها را به عنوان روابط عمومی‌های یک روستا نیز شناخت.

در شهرستان سبزوآر و روستاهای آن، این افراد عملکردهای گوناگون داشته‌اند که اهم فعالیت‌های

۱. به نقل از کریم مصطفایی شکسته‌بند روستای دوچاهی.

آن‌ها عبارت بوده است از آرایشگری و اصلاح سر و صورت در مواقع عادی، اصلاح سر و صورت داماد در مراسم عروسی، اصلاح سر و صورت عذارانی که اقوام یا بستگان خود را از دست داده‌اند در پایان مراسم عذاراری و انجام مراسم از عزا درآوردن، کشیدن دندان، ختنه کردن، دعوت کردن میهمانان برای مراسم عروسی و عذاراری، پذیرایی کردن از میهمانان و گسترده و جمع کردن سفره و...
 بعضی از سلمانی‌های سطح روستاهای سبزوار از جمله غنی‌آباد، دوچاهی، افچنگ، اجنورد، استاج مبادرت به درمان امراضی که مرتبط با موی سر و پوست سر از جمله کچلی و ریزش مو است نیز می‌کردند.

در حال حاضر نقش و کارکرد سلمانی‌ها در سطح روستاهای ایران به‌طور اعم و در سطح روستاهای شهرستان سبزوار به‌طور اخص به دست فراموشی سپرده شده و اگر در بعضی از نقاط روستایی به فعالیت بی‌رمق خود ادامه می‌دهند تنها همان آرایش و تراشیدن موی سر و صورت با ابزار و آلات آرایشگری جدید از جمله ماشین سرتراش و ریش‌تراش برقی است.
 دستمزد سلمانی‌ها در قبال کار و فعالیت‌های متنوعی که در سطح روستا انجام می‌دادند عبارت بود از ۴ من گندم به هنگام برداشت محصول.

حجامتگر در شهرستان سبزوار کار حجامتگری توسط کولی‌ها و یا به اصطلاح دیگر قرشمالان انجام می‌پذیرفت که هم‌اکنون نیز اینان به این کار مبادرت می‌کنند.

حجامت کردن برای درمان بعضی از امراض همچون کمردرد، درد مفاصل و استخوان نیز مؤثر است و اعتقاد بر این است که با حجامت کردن خون‌های کثیف بدن که آلودگی، تیرگی، و لختی دارد از بدن دفع و باعث نشاط، شادابی، تحرک و رفع دردهای مزمن در نقاطی از بدن می‌شود. کولی‌های ساکن در منطقه و هسته مرکزی شهر سبزوار پذیرای کسانی هستند که خواهان حجامت هستند. به غیر از قرشمالان امر حجامتگری در بعضی از نقاط را زنان انجام می‌دادند که شیوه و روش آن را از حجامتگران دوره گرد که به روستا می‌آمدند آموخته‌اند.

ابزار و وسایل حجامتگری عبارت است از تیغ تیز یک‌طرفه که به آن پاکی (pâki) می‌گویند شاخ گاو.

روش کار به این صورت است که ابتدا به وسیله تیغ پاکی جراحی‌های سطحی در پشت بدن و قسمت کتف و دو سمت ستون فقرات ایجاد می‌کنند. سپس قسمت باز یا گشاد شاخ گاو را که به صورت یک مخروط انحنای داده شده است بر محل جراحت قرار داده و از قسمت نوک باریک شاخ با مکیدن هوای داخل فضای مخروطی شاخ را خالی و این کار باعث کشیدگی و فشار بر سطح پوست بدن شده و کار بیرون آمدن خون را سهل‌تر می‌کند. این عمل را چندین مرتبه تکرار می‌کنند.

یکی دیگر از شیوه‌های رایج برای درمان بعضی از امراض از جمله کمردردهای مزمن، استکان‌زنی است و آن به این صورت است که پنبه یا مقداری پشم را بر موضعی از بدن گذاشته سپس آن را مشتعل می‌کنند. همزمان با مشتعل شدن پنبه استکان یا لیوانی را از قسمت دهانه روی پنبه قرار می‌دهند. پنبه برای سوختن هوای داخل فضای استکان را مصرف می‌کند و باعث برآمدگی بخشی از بدن که در زیر

دهانه استکان قرار داده می‌شود. برای جدا کردن لیوان از بدن با یکی از انگشتان قسمتی از پوست زیر لیوان را فشار داده و لیوان یا استکان از بدن جدا می‌شود. این عمل را ۳ الی ۴ نوبت در قسمت‌های دیگر بدن انجام می‌دهند. حجامت‌گران در حال حاضر به جای استفاده از شاخ از همین شیوه استکان‌زنی برای حجامت‌گری نیز بهره می‌برند بدین‌صورت که قبل از زدن استکان محل مورد نظر را با استفاده از تیغ چند خراش یا جراحت ایجاد می‌کنند و با گذاشتن استکان خون با فشار بیشتری بیرون می‌آید.

قابله یا ماماها افرادی بودند که هنگام زایمان و تولد نوزاد به کمک زائو می‌آمدند و در امر تسریع و تسهیل زایمان و نگهداری و مراقبت از نوزاد و مادرش تا چند روز نقش اساسی داشتند. در حال حاضر به دلیل اهمیت احداث خانه‌های بهداشت و وجود راه‌های مناسب و وسایل نقلیه در سطح روستاها و بخش‌های شهرستان نقش آن‌ها کمرنگ شده است. مگر در روستاهای دور افتاده‌ای همچون سیرغان و اریان و چند روستای انگشت‌شمار دیگر که شاید بتوان گفت اینان نیز آخرین سال‌های فعالیت خود را می‌گذرانند. به این افراد در روستاهای سبزووار از جمله اریان، اجنورد، سیرغان، افچنگ، شاره، استاج دیه (daya) می‌گویند. یکی از نکات قابل توجه بعد از زایمان تقویت قوای جسمانی زائو است که می‌باید دیه یا ماما به آن توجه کند. او با استفاده از انواع غذاهای گرم و مقوی^۱ زائو را تقویت می‌کند.

دعا و حرز نویسان کسانی هستند که برای درمان بعضی از بیماری‌های روحی و روانی و حتی برای درمان بعضی از بیماری‌های جسمی همچنین برای جلوگیری و پیشگیری از مبتلا شدن به چنین بیماری‌هایی یا روی دادن سانحه یا اتفاق ناگواری با استفاده از برخی ادعیه، اذکار و اوراد مردم را درمان یا تسکین و یا پیشگیری از وقوع بیماری یا حادثه ناگوار کمک می‌کنند. از جمله می‌توان به درمان جنون یا دیوانگی، دفع و رفع چشم‌زخم، درمان نازایی، و بخت‌گشایی اشاره کرد.

معمولاً از آیات سوره یس، آیه الکرسی، و آن یکاد، آیات و سوره‌هایی که با قل شروع می‌شوند و به چهار قل معروف‌اند همچون قل هو الله احد، قل یا ایها الکافرون، قل اعدو برب الناس، و قل اعدو برب الفلق بیشتر استفاده می‌شود. همچنین متوسل شدن به قبور امامزادگان و معصوم‌زادگان در مجاورت روستا، نذر سادات، مساجد، حسینیه‌ها و مکان‌های مذهبی و حتی متوسل شدن به برخی مکان‌ها از جمله چشمه‌ها و حتی درختانی که نزد اهالی تقدس دارند از شیوه‌های دیگر درمان است. برای مثال درخت بنه نزد خیلی از اهالی روستاها از جمله اجنورد، اریان و حسین‌آباد محترم و مکرم است و متوسل شدن به این نوع از درخت برای درمان نازایی جالب توجه است چرا که این نوع درخت در مناطق کویری و خشک از خود مقاومت نشان داده و در برابر طبیعت خشن کویری که به هیچ نوع رویدنی عرصه بروز و رشد و نمو نمی‌دهد استوار و پابرجا به حیات خود ادامه می‌دهد و مردم این درخت را عزیز خطاب می‌کنند. توسل زنان نازا به این درخت با این خصوصیات جای بسی تأمل است.

۱. انواع غذاهایی که بعد از زایمان مادر نوزاد تهیه می‌شود در بخش غذاهای محلی شهرستان سبزووار آورده شده است.

جدا از شیوه‌های درمانی افراد خاص که به امور مختلف طب سنتی می‌پردازند، نوعی دیگر از درمان بیماری‌ها جنبه خوددرمانی دارد که شخص مبادرت به درمان خود یا افراد خانواده خود می‌کند که در ذیل به تفکیک نقاط بررسی شده به آن اشاره می‌شود.

روستای اریان برای درمان بیماری سرخک مقداری گل سرخ، که مردم به آن لقب گل سرخک داده‌اند، به پیشانی بیمار می‌مالند.

برای درمان دندان‌درد سرگین الاغ را دود می‌دهند (این روش در اجنورد نیز رایج است).
برای درمان بریدگی و جراحت و قطع خون مقداری نمک را داغ کرده و روی آن قرار می‌دهند.
برای درمان دمل نرمه قندی که از کله‌قند به جا مانده را با آرد مخلوط کرد و به صورت خمیری روی دمل قرار می‌دهند (این روش درمان در اجنورد، استاج و دوچاهی نیز مرسوم است).
برای درمان کوفتگی نمک و خاکستر را مخلوط می‌کنند و بر موضع آسیب‌دیده قرار می‌دهند.
برای درمان گوش‌درد گیاه گشنیز را سوزانده و مقدار کمی خاکستر آن را بر لاله‌گوش می‌مالند.
برای درمان شب‌ادراری کودک مقداری زعفران و قند را مخلوط کرده و شربت آن را به کودک می‌خورانند.

در روستای اریان اگر کودکی دچار بیماری لاعلاجی شود مادر کودک دست او را گرفته و بر سر قبر کودکی دیگر که دچار مرگ نابهنگام در عین سلامت و تندرستی شده است می‌برند و از خداوند طلب می‌کند که سلامتی آن کودک را به کودک خود عطا کند.

روستای اجنورد برای درمان یا کاهش دندان‌درد میله‌ای داغ کرده و بر دندان آسیب‌دیده قرار می‌دهند.
- برای درمان سوختگی سیب‌زمینی را رنده کرده و بر محل سوختگی قرار می‌دهند.
- برای درمان گزیدگی محل گزیده‌شده را با آب کنجد شست‌وشو می‌دهند و یا ظرفی سفالین را حرارت داده سپس آن را بر محل گزیدگی قرار می‌دهند.
- برای کاهش سوزش زنبور‌گزیدگی مقداری آب ماست ترش را بر محل زنبور‌گزیدگی قرار می‌دهند.
- برای درمان گرم‌زدگی به کنار چشمه، رودخانه، قنات و یا مکانی که آب جاری داشته باشد می‌روند و سه مرتبه سر خود را درون آن فرو می‌برند و هم‌زمان که سر را درون آب فرو می‌برند می‌باید در هر سه حالت چشمان خود را در آب باز و بسته کنند.
- برای شب‌ادراری کودک سپرز گوسفند را می‌پزند و به او می‌خورانند.

روستای غنی‌آباد برای درمان گرم‌زدگی از عصاره گیاه ترنجبین شربت تهیه می‌کنند و می‌خورند.
- برای درمان خونریزی شدید آلوی خشک‌شده که به آن آلولیشی می‌گویند را با آب خیس‌انده بر محل خونریزی می‌گذارند. همچنین برای درمان زخم‌های عمیق، مغزی ستون فقرات گوسفند، که حرام‌مغز نیز گفته می‌شود، را با مقداری زردچوبه و چربی گوسفند مخلوط کرده و بر زخم می‌بندند. به ترکیب این ۳ ماده خمیرمال نیز می‌گویند.
- برای درمان دندان‌درد مقداری قره‌قروت را بر دندان قرار می‌دهند.

- برای درمان گوش‌درد مقداری نبات داخل گوش می‌گذارند سپس با پارچه‌ای گرم گوش را می‌بندند.
 - برای درمان چشم‌درد سرشیر را روی چشم می‌مالند.
 - برای درمان اسهال سوخته تریاک را در مقداری آب حل کرده و به فرد می‌خورانند.
 - به کسی که دچار مارگزیدگی یا عقرب‌گزیدگی شده باشد شیرگاو به مقدار زیاد می‌دهند.
 - برای درمان زنبورگزیدگی مقداری چربی را با نمک آغشته کرده بر محل گزیده شده قرار می‌دهند.
- روستای سیرغان** برای درمان دندان‌درد زنج گیاه کمای را بر دندان قرار می‌دهند.
- برای درمان بریدگی‌ها و جراحات، تخم یونجه را سوزانده و خاکستر آن را بر محل جراحت می‌گذارند.
 - برای درمان دمل شاطره را با ماست گاو مخلوط کرده و بر آن می‌مالند.
 - برای درمان کچلی پوست خرگوش تازه شکار شده را بر سر خود می‌کشند.
 - برای درمان سرماخوردگی بیدۀ جو را در ظرفی از آب ریخته و زیر آن آتش افروخته سپس به وسیله پارچه‌ای آب جوشیده را بخور می‌دهند.
 - برای درمان شب‌اداری کودک گزن‌گویی و شم‌فلوس را جوشانده و به کودک می‌دهند.
- روستای دوچاهی** برای درمان سرخک عنب را به همراه ترنجبین جوشانیده و به کودک که دچار بیماری سرخک است می‌دهند.
- برای درمان سوختگی زرده تخم‌مرغ را در ظرفی می‌سوزانند که بعد از سوختن شیره‌ای از آن به دست می‌آید و آن را بر محل سوختگی قرار می‌دهند.
 - برای جلوگیری از خونریزی نمک و مقداری پشم گوسفند را داغ کرده و بر محل بریده شده قرار می‌دهند.
 - برای درمان مارگزیدگی مقداری تریاک بر محل گزیدگی قرار می‌دهند.
 - برای درمان اسهال مقداری چای خشک را در کف دست نرم می‌کنند سپس می‌خورند.
 - برای درمان نازایی جگر گوسفند را به کمر و پشت خود می‌مالند.
 - برای درمان چشم‌درد گیاهی به نام چقچخه را شست‌وشو داده و برگ‌های آن را روی چشم قرار می‌دهند.
 - برای درمان گوش‌درد پهن ماده‌خر را دود می‌کنند و یا مقداری از شیر مادری که نوزاد دختر دارد را بر گوش می‌چکانند.
- روستای حسین‌آباد** برای کاهش تب سرخک یک پارچه قرمز رنگ روی صورت مریض می‌اندازند.
- برای کاهش دندان‌درد مقداری نمک را با خمیر روی دندان می‌گذارند.
 - برای درمان سوختگی پشگل گوسفند را روی آن می‌گذارند.
 - برای درمان کوفتگی زنج یا صمغ درخت سنجد را روی پارچه‌ای مالیده و بر محل کوفته‌شده قرار می‌دهند.
 - برای درمان کچلی قره‌قروت و آردجو را مخلوط کرده روی سر خود می‌مالند.
 - برای درمان چشم‌درد شیر مادری که نوزاد او دختر است را با عسل مخلوط می‌کنند و روی چشم

می‌مالند.

- برای درمان سیاه‌سرفه مادر طفل را به قبرستان روستا می‌برد و سنگی را از روی یکی از قبور پیدا می‌کند و آن را با دو دست بالا می‌گیرد و بچه مبتلا به سیاه‌سرفه را سه مرتبه از زیر سنگ عبور می‌دهد.

روستای شاره برای درمان کمردرد، درد مفاصل، و استخوان‌درد گیاهی به نام کاشتر را کوبیده و آن را می‌جوشانند سپس آن را بر پارچه‌ای مالیده و به کمر یا دست یا پا و هر ناحیه از بدن که درد کند می‌بندند.

- برای جلوگیری از خونریزی گیاه یونجه را کوبیده و خرد شده آن را بر محل جراحت قرار می‌دهند (در روستای دستوران نیز همین شیوه درمان رایج است).

- برای درمان کچلی از فضله کبوتر استفاده می‌کنند.

- برای درمان دمل از گیاه بلقاسه استفاده می‌کنند.

در روستاهای سبزوار اعتقاد خاصی به چشم‌زخم دارند که برای رفع آن به شیوه‌های گوناگونی متوسل می‌شوند که از جمله: گرفتن دعای مخصوص رفع چشم‌زخم که معمولاً از آیه و آن‌یکاد است. بدین صورت که آن را بر کاغذ نوشته سپس درون پارچه‌ای پیچیده و به بازوی دست راست خود می‌بندند. همچنین شیوه دیگری که در همه نقاط رایج است این است که برای رفع چشم زخم باید تکه‌ای از لباس فردی که اعتقاد به چشم‌زخمی او دارند آتش بزنند. به دست آوردن آن از دو راه میسر است یا اینکه مخفیانه در یک فرصتی که شخص متوجه نشود تکه نخ‌ی از لباس او را می‌گیرند و اگر در انجام این کار موفق نشدند عملاً از شخص خواهش می‌کنند برای رفع بیماری تکه‌نخی از لباس خود را در اختیار فرد بیمار قرار دهد.

- دود کردن اسپند همچنین شکستن تخم‌مرغ از دیگر شیوه‌های رفع چشم‌زخم است.

- در روستای شاره تکه چوبی را در پشت سر فردی که اعتقاد به چشم‌زخمی او دارند می‌شکنند و چوب شکسته شده را پشت سر او می‌اندازند.

- در روستای افچنگ به تعداد هفت قدم پشت سر فردی که اعتقاد به چشم‌زخمی او دارند حرکت کرده و پای خود را جای پای او قرار می‌دهند.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی